

انتخاب

روزنامه صبح ایران



قیمت نوشت‌افزار و لوازم‌التحریر ۳۰ درصد رشد داشته است

آغاز سال تحصیلی جدید زیر سایه رکود بازار و خاموشی صنایع

صفحه ۳

فعالان سیاسی به پزشکیان پیشنهاد دادند

اختیار از تهران اعتبار در نیویورک

سازمان ملل متحد، مهم‌ترین گردهمایی سیاسی بین‌المللی است که هر سال در ماه سپتامبر در مقر سازمان ملل در نیویورک برگزار می‌شود. این نشست از سال ۱۹۴۵، که سازمان ملل تأسیس شد، به صورت منظم برگزار می‌شود و سران کشورها، رؤسای دولت‌ها، وزرای خارجه و نمایندگان عالی‌رتبه کشورهای عضو در آن شرکت می‌کنند.

شرح در صفحه ۲

جهش دلار، سقوط بورس و التهاب طلا و سکه ترس بازارها از مگانیم‌ماشه صفحه ۵	«اتحادملت»مهمترین رویداد دیپلماتیک جهان را بررسی می‌کند بحران مشروعیت و کارایی در شورای امنیت صفحه ۲	یک روز به سیاره‌مان استراحت بدهیم صلح و زمین صفحه ۸
--	--	---

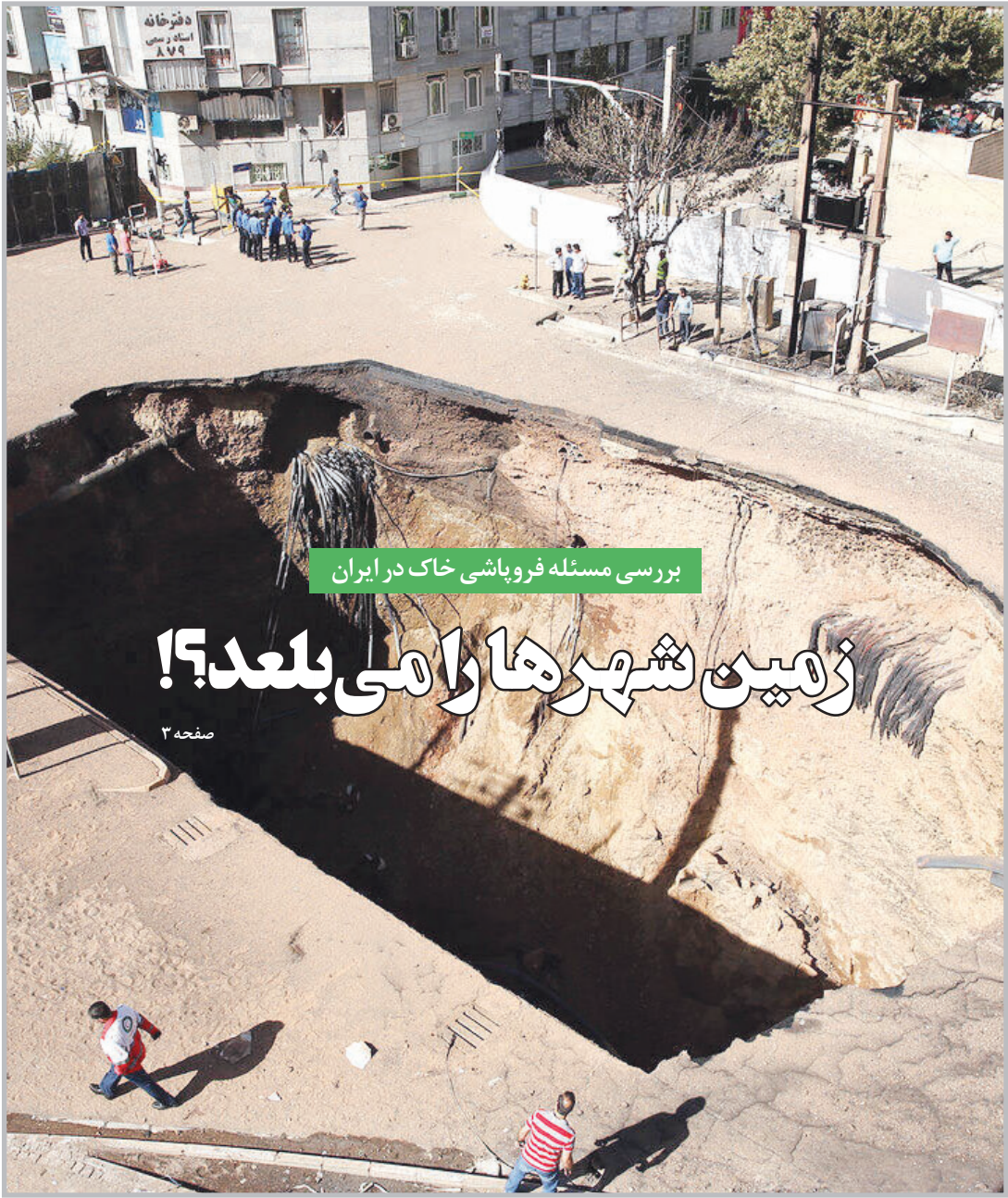


به‌قلم: روح الله جمعه ای

سخن نخست

مگانیم‌ماشه و نظریه بازی ها

تصمیم اخیر تروئیکای اروپایی برای ارائه درخواست رسمی فعال‌سازی مگانیم‌ماشه به شورای امنیت سازمان ملل، نقطه عطفی در پرونده هسته‌ای ایران است. این اقدام باعث شده تهران تنها چند روز فرصت داشته باشد تا واکنش خود را مشخص کند؛ در غیر این صورت بازگشت خودکار تحریم‌های سازمان ملل قطعی خواهد شد.



بررسی مسئله فروپاشی خاک در ایران

زمین شهرها را می‌بلعد؟!

صفحه ۳

یادداشت

فحاشی به جنتلمن فوتبال ایران؛ سیستم «علی اصغری» را امتحان کنید آقای هاشمیان!

پرسپولیس مقابل چادرملو امتیاز از دست داد و نتوانست آن طور که باید دل هواداران را به دست بیاورد اما نکته ای که در این زمینه وجود دارد بی طاقت شدن هواداران پرسپولیس است. آنها امسال خیلی زود دست به کار شده اند و قبل از اینکه درخواستی از مدیریت باشگاه داشته باشند سرمربی شان را با فحاشی بدرقه کردند! البته که همیشه این دست از اتفاقات را به حساب تماشاگرنماها می گذارند اما تا کی باید سر را زیر برف کرد و از تماشاگرنماها نام برد؟

غز زدن، اعتراض و درخواست برای اینکه تیم همیشه برنده باشد حق طبیعی هر هواداری است اما فحاشی



یادداشت

رمزگشایی از بورس قرمز و سبز

به‌قلم: حمید میرمعینی / کارشناس بازار سرمایه

ظاهرا بازار سرمایه به این نتیجه رسیده که احتمالا شرایط اقتصادی ما روزه‌روز بدتر خواهد شد. ناترازی‌ها، چه در حوزه انرژی، چه در بودجه و چه در نظام بانکی، بیشتر خواهند شد. بازار سرمایه به عنوان شاخصی پیش‌نگر، آینده را پیش‌بینی و به آن واکنش نشان می‌دهد.

متأسفانه امروز بورس منفی بود، می‌توان دلیل این امر را بحث تصویب یا رد تحریم‌ها و محدودیت‌ها که دیروز در شورای امنیت مطرح شد، تاثیرگذارترین عامل بر بازار سرمایه امروز برشمرد. در مجموع، حال و روز اقتصاد هم خوب نیست. علاوه بر مسائل سیاسی که به واقع تاثیر جدی بر بازار دارند و شاید مهمترین و پررنگ‌ترین عامل در تعیین جهت بازار باشند، اوضاع اقتصادی هم چشم‌انداز مثبتی ندارد.ضمن اینکه خوشبینی چندانی نسبت به خروج از بحران‌ها وجود ندارد. شاید اگر اجرای مکانیزم ماشه به تعویق بیفتد یا متوقف شود، امیدواری‌هایی نسبت به پیدا شدن راه‌حل برای مشکلات اقتصادی و ساختارهای ناقصی که کشور با آن‌ها مواجه است ایجاد شود. اما با بدتر شدن شرایط ناشی از مگانیم‌ماشه، بعید است وضعیت بهتر شود.

ظاهرا بازار سرمایه به این نتیجه رسیده که احتمالا شرایط اقتصادی ما روزه‌روز بدتر خواهد شد. ناترازی‌ها، چه در حوزه انرژی، چه در بودجه و چه در نظام بانکی، بیشتر خواهند شد. بازار سرمایه به عنوان شاخصی پیش‌نگر، آینده را پیش‌بینی و به آن واکنش نشان می‌دهد. بنابراین، چشم‌انداز مثبتی برای بازار سرمایه وجود ندارد. به هر حال مثبت بودن روند بازار منوط به تغییرات اساسی در ساختار سیاسی و اقتصادی است.فراموش نکنیم که در چند سال گذشته ما همیشه شاهد بدتر شدن اوضاع بوده‌ایم.

از سوی دیگرعلیرغم رشد قیمت دلار و تورم و افزایش ارزش جایگزینی دارایی‌های شرکت‌ها، بازار سرمایه کمرمق بود و حتی در برخی سال‌ها بازدهی منفی داشت و از سایر بازارها عقب ماند. علت اصلی آن هم نبود اصلاحات ساختاری در سیاست‌گذاری‌ها به‌ویژه در حوزه سیاسی و اقتصادی است. تا زمانی که چنین اصلاحاتی انجام نشود، ما شاهد بازاری پایدار، روند مثبت و اثرگذار بر اقتصاد نخواهیم بود. اگر هم گاهی رشد مثبتی دیده شود، ریشه در مسائل اقتصادی ندارد بلکه بیشتر ناشی از ناکارآمدی ساختارها و شرایط تورمی است.

برخی معتقدند که مثلاً اگر تا پایان سال ۲۰۲۵ حمله‌ای صورت نگیرد، شرایط کمی بهتر می‌شود، اما واقعیت این است که آینده بورس و اقتصاد وابسته به آینده سیاسی است. بازار سرمایه شاخه‌ای از علم اقتصاد است که بر تأمین مالی شرکت‌ها تمرکز دارد. وقتی حال و روز شرکت‌ها و بانک‌های اقتصادی خوب نباشد، طبیعی است که بازار سرمایه هم رشدی نداشته باشد. بنابراین به نظر نمی‌رسد تا زمانی که ثبات سیاسی ایجاد نشود، چشم‌انداز مثبتی برای بورس وجود داشته باشد.

در خصوص خودروسازها هم باید گفت این صنعت علاوه بر تاثیرپذیری از مشکلات سیاسی و اقتصادی، خودش با بحران‌های جدی مواجه است. بزرگترین مشکل صنعت خودروسازی، قیمت‌گذاری دستوری است. این سیاست باعث شده نه مصرف‌کننده متنفع شود، نه تولیدکننده و نه سهام‌دار. تنها دل‌ال‌ها سود می‌برند؛ چون خودرو را با قیمت دستوری پایین می‌خرند و با قیمت بالا در بازار آزاد می‌فروشند.

دومین مشکل، ناکارآمدی مدیریتی است. مدیریت خودروسازها به شدت سیاسی و دولتی است و سازمان‌های نظارتی هم کنترل جدی بر عملکرد مدیران ندارند. در نتیجه مدیران تنها خودشان متنفع می‌شوند و کارایی لازم را ندارند. بازار سرمایه هم بر اساس سودآوری آینده شرکت‌ها ارزش‌گذاری می‌کند. وقتی چشم‌انداز صنعت خودروسازی به دلیل بی‌کفایتی مدیریتی و قیمت‌گذاری دستوری مثبت نباشد، طبیعی است که سهام این شرکت‌ها هم رشد نکنند. به نظر نمی‌رسد این مشکلات به زودی حل شوند.

هرگز مورد تایید نبوده است.

تازه هفته چهارم به پایان رسیده و هنوز راه زیادی مانده؛ هوادار پرسپولیس همیشه صبور بوده و حتی در بدترین شرایط که تیم آنها سیزدهم جدول بود و بازیکنانش برای بقا در لیگ سجده شکر به جا آوردند پشت تیم شان بودند؛ سوال اینجاست چه شده که آنها از همین هفته های ابتدای بنای اعتراض را گذاشته اند و به سرمربی شان زمان کافی نمی دهند؟

از آن طرف وحید هاشمیان هم باید فکر همه جا را بکند. هم او، هم مدیریت باشگاه و هم ما می دانیم که باید دور باری در ورزشگاه آزادی را تا پایان سال خط کشید.حرف این است که بهانه، نباید بازی در ورزشگاه تختی و چمن

تکه تکه اش باشد.هاشمیان باید تاکتیک را عوض کند و به قول معروف با چیزی که هست بسازد.پس او هم نباید غر

بزند و گلایه از وضعیت موجود کند.

وقتی چمن خراب است، طبیعی است که تاکتیک بازی روی زمین و سربالا بازی کردن و پاسکاری جواب نخواهد.آقای هاشمیان! مشکل اصلی تیم شما قطعا کیفیت زمین نیست. مشکل نداشتن عدم تجربه شما برای هدایت تیمی در لیگ و البته نداشتن بازیکنی مکمل در کنار علی علیپوراست. تیم شما برای بازی در چنین زمین‌هایی تمرین ویژه نکرده و حتی از ضربات ایستگاهی استفاده لازم را نمی برد.در همین بازی با چادرملو کدام موقعیت درست و حسابی را داشتید که تکه تکه اش باشد.هاشمیان باید تاکتیک را عوض کند و به قول معروف با چیزی که هست بسازد.پس او هم نباید غر بزند و گلایه از وضعیت موجود کند.
تیم شما برای بازی در چنین زمین‌هایی تمرین ویژه نکرده و حتی از ضربات ایستگاهی استفاده لازم را نمی برد.در همین بازی با چادرملو کدام موقعیت درست و حسابی را داشتید که

دیجیتال، اگر به درستی مدیریت نشود، می‌تواند به چالش‌های جدی اجتماعی و سیاسی تبدیل شود. نسل زد دارای حقوق بنیادینی است که باید به رسمیت شناخته شود:

- حق مشارکت اجتماعی و سیاسی: مطابق اصول بین‌المللی، جوانان حق دارند در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند و صدای آنان شنیده شود.
- حق دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان: محدود کردن دسترسی دیجیتال یا سرکوب بیان، نقض حقوق بنیادین نسل زد است.
- حق آموزش و توسعه مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی: تربیت نسلی که توانایی نقد، تحلیل و مشارکت مسئولانه داشته باشد، نیازمند محیط آموزشی باز و متنوع است.
- نایدیده گرفتن این حقوق می‌تواند باعث بی‌اعتمادی اجتماعی، تضعیف سرمایه اجتماعی و قطبی شدن جامعه شود و زمینه بروز اعتراضات گسترده را فراهم کند.
- تندروی‌های سیاسی و اجتماعی، پیامدهای آشکاری دارد: افزایش بی‌اعتمادی بین نسل‌ها: سرکوب یا نادیده گرفتن مطالبات جوانان، اعتماد آنان به نهادهای حکومتی و سیاسی را کاهش می‌دهد.
- قطبی شدن جامعه: نسل زد با ابزارهای نوین، می‌تواند شکاف میان نسل‌ها و جریان‌های سیاسی را عمیق‌تر کند.
- ظهور جنبش‌های سریع و گسترده: نسل زد با شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای دیجیتال، ظرفیت ایجاد تحولات ناگهانی و گسترده را دارد.
- برای مدیریت هوشمندانه این تحولات و کاهش تنش، سیاستگذاران می‌توانند اقدامات زیر را در نظر بگیرند:

- ایجاد کانال‌های قانونی و شفاف مشارکت جوانان: فرصت‌های واقعی برای حضور آنان در تصمیم‌گیری‌های

- آشنایی ذاتی با فناوری‌های دیجیتال: شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها و ابزارهای نوین، آنان را قادر می‌سازد در کسری از ثانیه اطلاعات را دریافت، تحلیل و منتشر کنند.
- نگرش انتقادی و مطالبه‌گرانه: نسبت به ناکارآمدی نهاده‌ا، فساد، تبعیض و ناکامی اجتماعی حساس‌اند و از مسیرهای قانونی و دیجیتال، صدای خود را به گوش جامعه و مسئولان می‌رسانند.
- حساسیت نسبت به عدالت اجتماعی و حقوق بشر: آنان در محیطی پر از اطلاعات رشد کرده‌اند و توقع مشارکت و پاسخگویی دارند.
- تمایل به همبستگی جهانی: نسل زد الگوبرداری از تجارب موفق بین‌المللی را می‌پذیرد و می‌تواند تحولات داخلی را با روندهای جهانی پیوند دهد.
- این ویژگی‌ها باعث می‌شود که هرگونه محدودسازی یا سرکوب بدون پاسخگویی به مطالبات آنان، نه تنها بی‌اثر نباشد، بلکه محرک جنبش‌های اجتماعی گسترده شود.

تجربه‌های جهانی: درس‌هایی برای ایران

تحلیل تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که نسل زد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات اجتماعی و سیاسی ایفا کند:

نپال: جوانان نسل زد با شبکه‌های اجتماعی، اعتراضات ضد فساد و اصلاحات انتخاباتی را سازمان‌دهی کردند.

هنگ‌کنگ: نسل جوان با ابزارهای دیجیتال و نوآوری‌های جمعی، اعتراضات گسترده علیه محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی را هدایت کردند.

اروپا: نسل زد در جنبش‌های اقلیمی، عدالت اجتماعی و حقوق اقتصادی نقش کلیدی داشت و توانست با نفوذ فرهنگی و اجتماعی، سیاستگذاران را تحت فشار قرار دهد.

این تجارب نشان می‌دهد که خشم و مطالبه‌گری نسلی



به‌قلم: مرتضی رضایی

هوادار به خاطرش از روی صندلی نیم خیز شود و با حسرت توی سرش بگوید؟

پشنهادی که می‌شود این است، وقتی می‌دانید زمین خراب است،موقعیت های ایستگاهی هدر می رود و بازیکن یک پاس درست و حسایی نمی دهد همان سیستم " علی اصغری" معروف را در زمین های به کار بگیرید شاید نتیجه دلخواه را گرفتید! اما دلخوش به این نباشید که به زودی در آزادی بازی می کنید و با فشار هوادار و ...و همه امتیاز را می گیرید.آقا وحید! باید پیش بینی بازی در روزهای سخت و بدترین چمن را بکنید و در نهایت این حق را به هوادار بدهید تا برای سبک بازی تیش فحاشی نه! اما غر که می تواند بزند.



به‌قلم: محمد‌مهدی سیدناصری

اجتماعی و فرهنگی فراهم‌شود.

۲. تقویت سواد رسانه‌ای و دیجیتال: آموزش نسل زد برای تحلیل محتوا، افزایش نقدپذیری و تصمیم‌گیری آگاهانه به جای محدودسازی.

۳. حمایت از نهادهای مدنی و سازمان‌های جوانان: ایجاد و حمایت از گروه‌های مستقل و غیردولتی که صدای نسل زد را نمایندگی کنند.

۴. ترویج گفت‌وگوی بین نسلی: فضایی ایجاد شود که نسل‌های مختلف بتوانند اختلاف دیدگاه‌ها را از طریق گفتگو و مشاوره حل کنند.

۵. حمایت از نوآوری و مشارکت فرهنگی-اجتماعی: فراهم کردن زمینه‌های آموزشی، هنری و علمی برای مشارکت فعال جوانان در توسعه جامعه.

آیندهی ایران، بدون در نظر گرفتن نسل زد قابل تصور نیست. این نسل، با خصلت دیجیتال، انتقادی و مطالبه‌گرانه، قدرت بالقوه‌ای دارد که می‌تواند جامعه را به سمت عدالت، نوآوری و شفافیت هدایت کند. سرکوب، محدودسازی یا نادیده گرفتن آنان تنها خشم و بی‌اعتمادی را تشدید می‌کند و شکاف میان نسل‌ها را عمیق‌تر می‌سازد. راهبرد موفق برای سیاستگذاران و نهادهای اجتماعی، شناخت، احترام و مشارکت فعال نسل زد است. تنها از طریق ایجاد کانال‌های قانونی و شفاف مشارکت، آموزش سواد دیجیتال و رسانه‌ای، و تقویت نهادهای مدنی و فرهنگی، می‌توان خشم بالقوه آنان را به قدرتی سازنده و تحول‌آفرین تبدیل کرد. نسل زد نه تهدید، بلکه فرصتی است برای بازآفرینی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران؛ فرصتی که اگر به درستی مدیریت شود، می‌تواند مسیر کشور را به سوی توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و نوآوری نسل‌محور هدایت کند.